



آفتدر خوشحال بودند که صبر نکردند تا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات‌متحده آمریکا رئیس‌جمهور آمریکا شود و پایش به کاخ سفید باز شود. ترامپ قرار بود تمام آمال و آرزوهایشان را برآورده کند و از همین رو، فورا کاغذ و قلم برداشتند و از رئیس‌جمهور منتخب خواستند ضمن تجدید‌نظر در توافق هسته‌ای، تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران وضع کند و ائتلافی نیز برای فشار بر ایران با هدف پایان دادن به برنامه موشکی‌اش شکل دهد. از این لیست ۳۰ نفره، ۱۸ نفرشان دو سال بعد در ۲۶ شهریور۱۳۹۷ «فرشگرد» را شکل دادند تا با محوریت رضا پهلوی، ایده‌سرنوگونی جمهوری اسلامی را دنبال کنند. روزیکشنبه مایک پمپئو، وزیر امور خارجه دولت‌محبوب‌شان همه آن رویاها را برپا داد و ضمن اشاره به عدم نفوذ سلطنت‌طلبان در ناآرامی‌های سال گذشته تنها جایگزین جمهوری اسلامی را سازمان مجاهدین خلق خواند. به تعبیر ساده‌تر از نظر وزیرخارجه دولت ترامپ، سلطنت‌طلب‌ها و سایر اپوزیسیون ایرانی باید ذیل این گروهک تروریستی فعالیت کنند. پمپئو که به اعتقاد تحلیلگران، درصورت پیروزی ترامپ در انتخابات سال آینده آمریکای از اعضای اصلی کابینه او خواهد بود، گفته «ایرانیان نمی‌خواهند به دیکتاتوری اشاره برگردند. سلطنت‌طلبان در قیام پارسل نفوذی نداشتند. ما دیکتاتوری نمی‌خوایم.» این البته نخستین اظهارنظر پمپئو از این دست در حمایت از منافقین نیست. او دو ماه پیش در ششم‌مهرماه نیز در کنفرانسی با حضور مریم رجوی تلویحا منافقین را تنها گروهی دانسته بود که توانایی تغییر را دارند؛ «تغییر در ایران تنها توسط کسانی حاصل می‌شود که دهه‌ها در راستای آن تلاش کرده‌اند. کسانی که بهای آن را پرداخته‌اند و دارای ساختار سازمانی برای تحقق آن هدف هستند.» او گفته بود که سیاست ایالات‌متحده در قبال ایران باید «حول محور حمایت از این اپوزیسیون سازمان‌یافته» و «افزایش فشار بر رژیم تا زمان سقوط آن» باشد. این‌الته تنها‌مقام دولت ترامپ نیست که چنین در‌ملح منافقین سخن می‌گوید. تیرماه سال‌گذشته مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در دولت ترامپ به کمپ مجاهدین خلق در آلبانی رفت و منافقین را تنها جایگزین جمهوری اسلامی خواند؛ «یکی از بزرگ‌ترین دروغ‌هایی که رژیم حاکم به خورد دنیا داده این است که هیچ جایگزینی برای وضعیت موجود وجود ندارد. حال آنکه یک جایگزین وجود دارد- یک جایگزین کامل‌اسازمان‌یافته، کاملا‌آماده، کاملا‌واجد شرایط و مورد حمایت مردم.» معاون ترامپ ادامه داد: «بگذراید از مریم رجوی و همه کسانی که اینجا در اشرف ۳ گرد‌هم آمده‌اند قدرانی کنم؛ چراکه به مردم خودتان در ایران امید می‌بخشید.» او از «تعهد کانون‌های شورشی» منافقین به آنچه «دموکراسی، حقوق بشر و آزادی تمامی شهروندان» می‌خواند هم سخن گفت. رویاپردازتر از این‌دو مقام دولت ترامپ جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا بود که مرداد ۱۴۰۱ گفت: «یک جایگزین عملی [در ایران] وجود دارد، جایگزینی که مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت در داخل ایران برای ایجاد آن تلاش می‌کنند.» این رویکرد مقامات دولت آرمانی سلطنت‌طلبان و آنهایی که سال‌گذشته پروژه «وکالت می‌دهم» را دنبال می‌کردند، چیزی جز نقطه پایان نیست. آنها بهترین روزهای عمرشان را در دولت ترامپ گذرانده بودند و درآمد‌های قابل‌توجهی هم کسب کرده بودند. در آن سال‌ها با توجه به کمپین فشار حداکثری علیه ایران، وزارت خارجه آمریکا توجه ویژه‌ای به تمام اپوزیسیون ایرانی داشت و بودجه‌های قابل‌توجهی را نیز به آنها اختصاص می‌داد. ترامپ تنها در یک پروژه مبلغ ۱٫۵ میلیون دلار برای حمله به مخالفان کمپین فشار حداکثری‌اش در فضای مجازی اختصاص داد. با وجود اختلافات جمهوریخواهان و دموکرات‌ها در مسائل سیاست خارجی، دموکرات‌ها نیز به ایده حمایت از گروه‌های اپوزیسیون و تروریستی ضدایران معتقد بودند و برای آن بودجه تعریف کردند اما مساله اینجای بود که در کنار این پروژه‌ها، دموکرات‌ها مذاکره با ایران را نیز توامان دنبال می‌کردند و این اپوزیسیون سلطنت‌طلب را ناامید کرده بود. از همین رو فرشگردی‌ها در تیرماه ۱۴۰۰ یک بار دیگر دست به قلم شدند و این بار به جای رئیس‌جمهور آمریکا برای نفتالی

بنت، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی که فاقد تمام مولفه‌های قدرت آمریکا بود نامه نوشتند و ضمن «شاد باش» نخست‌وزیری بنت، از او خواستند رویکرد درست!

عبارات تحقیرآمیز پمپئو، وزیر خارجه دولت ترامپ درباره پهلوی‌ها یک افتضاح تمام‌عیار برای اپوزیسیون و نمایی از آینده جریان‌های ضدایرانی در خدمت آمریکااست

«پهلوی» دستمال یک بار مصرف بود

سال‌های گذشته رژیم صهیونیستی را در تضعیف نیروهای ایران به‌ویژه سپاه پاسداران با قاطعیت بیشتر ادامه دهد.

«خرید و فروش مقامات غربی توسط منافقین

«قبل مجاهدین باید کیسه راشل می‌کردیم.» این تویییتی است که رضا پهلوی روز گذشته در واکنش به اظهارات پمپئو در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد. این تویییت اگر چه از سِر ناراحتی و استیصال نوشته شده است اما بیانگر واقعیتی است که در غرب جریان دارد. علاوه بر پهلوی، هواداران او نیز در شبکه ایکس از دریافت پول بابت حرف‌هایی که در نشست منافقین زده می‌شود، نوشتند. این ادعا البته بی‌پایه و اساس نیست و گزاره‌های متعددی مهر تایید بر آن زده‌اند. سال ۱۴۰۰ مایکل موکاسی، وکیل آمریکایی، وکیل شخصی ترامپ و از جمله سخنرانان همیشگی نشست‌های گروه تروریستی منافقین از «مبلغ ۱۶۵ تا ۲۰ هزار دلاری» گفت که مطابق با قیمت معمول سخنرانی‌هایش دریافت کرده است. بسیاری از مقامات سیاسی همچون جان بولتون، کینگرجیج، پولز، ترکی فیصل و… از انگیزه تجاری خود برای شرکت در این نشست‌ها گفته بودند. مبالغ پرداختی سازمان به تناسب جایگاه سیاسی و تاثیر افراد در ساختار قدرت، متفاوت است. نگاهی به فهرست مبالغ پرداختی منافقین که گاهی به ۸۰ هزار دلار برای دو دقیقه سخنرانی می‌رسد حاکی از زوپه‌ای است که در آن سخنرانان به صورت ساعتی زرو می‌شوند. دی ۵ سال ۹۶ «جوچ مالبروز»، خبرنگار ارشد فیگارو به نقل از یک منبع دیپلماتیک نوشت منافقین به «هر سخنران آمریکایی ۲۵ هزار دلار و به هر سخنران فرانسوی ۱۲ هزار و پانصد دلار» برای شرکت و سخنرانی در این نشست‌ها پرداخت می‌کند. سازمان منافقین با پرداخت مبالغ هنگفت در قالب سخنرانی سیاستمداران و یا افراد موثر از آنها در ساختار قدرت، برای لابی در اتحادیه اروپا و آمریکا استفاده می‌کند. یکی از گروه‌های وابسته به پارلمان اروپا که وظیفه لابی‌گری را بر عهده دارد، گروه موسوم به «دوستان ایران آزاد» است که توسط لابی قدرتمند منافقین در بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، بلژیک و پارلمان اروپا سازماندهی شده‌اند. همین افراد هستند که در ازای دریافت پول، متونبات منافقین را در اتحادیه اروپا دنبال می‌کنند. نام اکثر این افراد در طرح‌های ضدایرانی به چشم می‌خورد. اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران و تلاش برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران نیز از اقدامات این افراد نزدیک به منافقین است. این افراد برای حمایت از طرح‌هایی که منافقین در پس آن هستند و یا برای سخنرانی در اجلاس‌های این گروهک، مبالغ قابل توجهی دریافت می‌کنند. به نوشته بلومبرگ و طبق گزارشی که نشریه کریستین ساینس مانیترور در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده است، گروهک منافقین در آن سال مبلغ ۲۵ هزار دلار به سخنرانانی که دعوت کرده بود، پرداخت کرده است. به طور حتم قیمت این پیاده‌نظام‌های اجاره‌ای منافقین در سال ۲۰۲۲ با رشدی قابل توجه همراه بوده است که آنها را مجاب به همراهی با سخن تروریست‌ها کرده است.

«میان‌داری منافقین در ۱۴۰۱

با وجود نمایش سال گذشته ائتلاف هشت نفره رضا پهلوی و دوستانش و حتی کمپین وکالت می‌دهم سرویس‌های امنیتی غربی آنها را چندان جدی نگرفتند. آنها‌هی هم که جدی گرفتند و پای افرادی همچون مسیح علی‌نژاد را به کاخ الیزه‌باز کردند، بعدتر حاضر به ادامه ارتباط نشدند. اروپا و کاخ سفید با این توجیه که «وقتی انقلاب ایران تمام شده و کسی در خیابان نیست، چرا نباید به میز مذاکره برگردیم؟» این جلسات را به پایان رساندند. در ناآرامی‌های سال گذشته، همه طرف‌ها سعی می‌کردند به شکلی خود را از منافقین دور نگه دارند و اگر هم با آنها همکاری دارند - با توجه به تنفر افکار عمومی از این‌گروهک - این همکاری پنهان بماند. ردگیری‌های گروه‌های مختلف اپوزیسیون و ناتوانی آنها در اثرگذاری باعث شد تا سیاستمداران آمریکایی، متوجه شوند که باید به سراغ چه گروهی بروند؛ گروهی که منابع مالی، نیروی نظامی و عوامل نفوذی در کشور دارد. همین موضوع نیز باعث شد تا روز ۱۹ بهمن کمی پیش از نشست گروه هشت نفره در دانشگاه جورج تاون، به ابتکار تام مک کلینتاک، مریم رجوی رهبر گروهک تر و ر یستی

منافقین در کنفرانس مطبوعاتی کنگره آمریکا پس از قطعنامه‌ای موسوم به حمایت از قیام مردم ایران سخنرانی کند. ۱۶۵ نماینده از هر دو حزب از این قطعنامه حمایت کردند. در بخشی از این قطعنامه نمایندگان کنگره مریم رجوی را «رهبر اپوزیسیون» خوانده و از «طرح ۱۰ ماده‌ای» او «برای آینده ایران»، حمایت کرده‌اند. آنها همچنین از ایالات متحده خواسته‌اند «در هرگونه تحقیقات بین‌المللی» در مورد اعدام‌های سال ۱۳۶۷ شرکت کنند. این قطعنامه و حمایت‌های آن از منافقین نشان می‌داد که در غرب اصلی‌ترین اپوزیسیون جمهوری اسلامی، منافقین تعریف شده‌اند و تحرکات دیگر حتی اگر به فرض مستقل از منافقین باشد، به نام منافقین زده می‌شود و درنهایت این مریم رجوی است که اجازه پیدا می‌کند در پارلمان‌های کشورهای مختلف اروپایی به ایراد سخنرانی بپردازد. برای آنها اینکه مردم ایران چه نگاهی به این گروه دارند، فاقد اهمیت است؛ چراکه منافقین باید ابزاری برای مهار ایران باشند. منابع امنیتی در ایران در میانه ناآرامی‌های سال گذشته، از نقش آفرینی منافقین سخن می‌گفتند. این موضوع به صراحت از سوی منافقین نیز تایید شده است. این گروهک مدعی است که با وجود دستگیری هزاران تن از اعضای یگان‌های مقاومت (وابسته به مجاهدین خلق)، شبکه آنها در بسیاری از استان‌ها گسترش یافته است. آنها مدعی هستند که یگان‌های مقاومت در سال گذشته توانستند ۳ هزار و ۷۰۰ عملیات ده‌ها هزار اقدام اعتراضی را سازماندهی کنند. مریم رجوی می‌گوید فقط در مدت کوتاه سالگرد ناآرامی‌ها «بیش از ۴۰۰ اقدام اعتراضی داشتند.» در ناآرامی‌های سال گذشته، منافقین با گروه‌هایی که خود را جوانان فلان محله یا شهر می‌نامیدند، بیانیه صادر می‌کردند. گروه «جوانان محلات»، یکی از همین نام‌هایی بود که در دل اغتشاشات سال گذشته ناگهان ظهور کرد و رسانه‌هایی همچون ایران اینترنشنال نیز آنها را معرفی و پروموت می‌کردند. واکاوی اخبار منتشر شده از این گروه و رفتار آنها در اغتشاشات مشخص می‌کرد که این گروه و گروه‌های مشابه همان ایده‌ای را پیاده‌سازی می‌کنند که با عنوان کانون‌های شورشی توسط جبهه‌های چون مهدی ابریشچی در سازمان مجاهدین خلق طراحی شده بود. کانون‌های شورشی تعریفی است که سازمان مجاهدین خلق به استراتژی سرنوگونی حکومت ایران اطلاق کرده و فعالیت‌های خود در جریان حوادث سال گذشته را نیز بر مبنای همین استراتژی طراحی کرده بود.

«منابع مالی از کجا می‌آیند؟

چهار دهه از آغاز عملیات مسلحانه گروهک تروریستی منافقین می‌گذرد اما هنوز مشخص نیست منابع مالی این گروهک از چه طریق تأمین می‌شود؟ مجید تفرشی، پژوهشگر ایرانی در جریان ساخت مستند «خبریه اشرف» که بخشی از آن پیرامون موسسه خبریه‌ای وابسته به منافقین (ایران اید) بود، معتقد است حجم پول گروهک منافقین «قابل مقایسه با هیچ یک از سایر اپوزیسیون‌ها و هیچ اپوزیسیونی در تاریخ بشر نیست.» او از یک دارایی بسیار بزرگ حدود ۵۰۰ میلیارد دلار، یعنی سخن می‌گوید؛ دارایی‌ای که به تعبیر تفرشی خرج نشده و «سرمایه‌گذاری شده و سودش خرج می‌شود.» با وجود شفافیت قابل توجه مالی در اروپا و آمریکا، هنوز هیچ‌کس نمی‌داند که منافقین چگونه به این سرمایه دست پیدا کرده‌اند. موضوع به اندازه‌ای پیچیده است که «مایکل روبین» یکی از مقامات سابق پنتاگون در مقاله‌ای در موسسه آمریکن اینترپرایز، از «وضعیت مالی نامشخص» این گروه نوشته است. روبین این مقاله را در مارس ۲۰۲۳ یعنی حدود ۱۱ سال پس از خروج منافقین از فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات‌متحده آمریکا نوشته اما نه او که در پنتاگون فعالیت داشته و نه هیچ روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر دیگری تا به امروز موفق به کشف شبکه مالی این گروهک در غرب نشده است. منافقین در چند دهه گذشته همواره مدعی بوده که منابع مالی فعالیت‌هایش از جانب هواداران‌شان در ایران تأمین شده است. مسعود رجوی، رهبر این گروهک در ۲۷ فوریه ۱۹۹۲ در پاسخ به «همیلتون»، رئیس کمیته فرعی اروپا و خاورمیانه کنگره

آمریکا مدعی شد هزینه‌های شاخه نظامی‌اش توسط مردم ایران تأمین مالی می‌شود. این ادعا را هم نزدیک به

شش هزار سند آزادسازی شده موسسه چریتی کامبین که یکی از نهاد‌های مردم‌نهاد و ناظر بر موسسات خبریه در انگلیس است، نقض می‌کند و هم اظهارات اعضای جدا شده از این گروهک تروریستی، یکی از عوامل اصلی شبکه تأمین مالی گروهک منافقین، ابراهیم خداینده است. او که سال‌ها قبل به همراه دو میلیون دلار پول نقد در سوریه دستگیر و به ایران مسترد شد، از خبریه «ایران اید» به عنوان یکی از منابع درآمدزایی گروهک منافقین نام برد. این خبریه به این بهانه تشکیل شده بود که کمک‌های مردمی را به دست کودکان جنگ‌زده و یا خانواده افرادی که در ایران اعدام شده‌اند، برساند اما در واقع این موسسه یکی از بنگاه‌های درآمدزایی منافقین بود. جدا از کمک‌های مردمی، کشورهای حاشیه خلیج فارس که از پشت‌پرده موسسه آگاه بودند، منابع مالی قابل توجهی به حساب موسسه پول واریز می‌کردند. به گفته خداینده «عربستان پول را مستقیم به حساب مریم رجوی نمی‌ریخت. مثلا می‌گفتند یک نفر ۱۰۰ هزار پوند به حساب ایران اید ریخته است. هیچ آدمی این میزان پول را به حساب صلیب سرخ هم نمی‌ریزد، چه برسد به حساب یک خبریه ناشناس.» پول‌های جمع‌آوری شده به پاکستان، دبی و ترکیه ارسال می‌شد تا رد پول به شکلی گم شود و دوباره این مبالغ با چمدان به انگلیس و فرانسه برمی‌گشت. البته این تنها راه درآمدزایی نیوده و سازمان فارغ از پولشویی در قالب موسسه خبریه، از روش‌های دیگر برای کسب منابع مالی استفاده می‌کردند. خداینده که در جریان فعالیت‌های مالی سازمان برده نیز این گزاره را تایید می‌کند که «سازمان موارد زیادی پرورده به اتهام کلاهبرداری، قاچاق انسان، قاچاق کالا و موارد دیگر داشت.» بخش دیگری از درآمد‌های سازمان از طریق محموله‌های طلا و هدایای لوکس کشورهای حاشیه خلیج فارس تأمین می‌شد. به عنوان نمونه پادشاهی سعودی، چندین ساعت تمام طلا زیند معروف ولکس و چندین کامیون طلا به سازمان هدیه کرده است. مسعود خداینده، مسئول سابق تبلیغاتی منافقین در سال ۲۰۱۸ طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری اردنی البوابه از نقش نظارتی خود در این معاملات گفته است. او از «سه کامیون پر از شمش طلا» به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار سخن گفته است. یکی دیگر از منابع درآمدی منافقین، قاچاق مواد مخدر، الماس و سلاح در سراسر جهان است. نمونه آن پرورنده قاچاق محموله ۵۰۰ کیلویی هروئین به کشور اوکراین است. جاسوسی، شنود، تخلیه تلفنی و عملیات تروریستی یکی دیگر از روش‌های درآمدزایی منافقین است. عمدتا مشتری این قبیل اقدامات کشورهای حاشیه خلیج فارس، اسرائیل، کشورهای اروپایی و آمریکا هستند. در سازمان هادی روشن‌روان، مسئولیت بخش اخباری را همان جاسوسی سازمان را بر عهده دارد. در این بخش اخبار و اطلاعات مالی و روابط دیپلماتیک جمع‌آوری می‌شود. با توجه به اینکه منافقین ایرانی بودند و جامعه ایران را به خوبی می‌شناختند، به‌سادگی امکان جاسوسی و تخلیه تلفنی یا حتی عملیات در ایران را دارند. بر همین اساس سرویس‌های جاسوسی غربی و منطقه با پرداخت پول به این سازمان، اطلاعات را خریداری کرده و از آنها به عنوان عاملان عملیات تروریستی در ایران استفاده می‌کنند. منافقین حتی برای جذب و به‌کارگیری افراد، پول دریافت می‌کنند. اسرائیل و آمریکا هم بابت هر یک از کانون‌های شورشی، که سازمان درست می‌کند، به سازمان پول می‌دهند. ولی مهم‌ترین منبع مالی منافقین نفت عراق بود. پژوهش‌ها و اعترافات منافقین حاکی از صندوق‌های مالی این گروهک بود که پس از پذیرش پیشنهاد صدام مبنی بر نقل مکان به عراق و مبارزه با ایران، مملو از دلارهای نفتی شد. مریم سنجابی یکی از اعضای سابق شورای نخبگان سازمان مجاهدین خلق گفته «علاوه بر تسلیحات، درآمد‌های حاصل از فروش روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت به سازمان اختصاص پیدا می‌کرد. پس از حمله عراق به کویت و تحریم این کشور، سازمان نفت عراق را به بازارهای خارجی قاچاق می‌کرد. ماجرات آنجایی پیش رفت که «رجوی در آخرین دیدار خود با صدام حسین در آگوست ۲۰۰۰ از صدام خواست تا براساس اسناد و نامه‌ها سهم نفت منافقین را تا ۱۰۰ هزار بشکه در روز (سه میلیون بشکه در ماه) افزایش دهد.» درآمد‌های عظیم نفتی و سایر کمک‌هایی که از طرق مختلف به‌دست منافقین می‌رسید، فرصت ویژه‌ای را در اختیار آنها برای سرمایه‌گذاری

این منابع قرار داده بود. برخی داده‌های غیررسمی حکایت از آن دارد که سازمان بیش از هزار خانه در پاریس و نزدیک به ۱۵ هتل در لندن دارد که یکی از منابع درآمدی آنهاست.



طوفان الاقصی و آغاز بلوغ محور مقاومت

به عبارت دیگر عملیات طوفان الاقصی در کنار تمامی نتایجی که داشت توانست به عنوان نقطه آغاز بلوغ محور مقاومت مطرح شود. شکل‌گیری اقدامات عملیاتی هماهنگ میان گروه‌های محور مقاومت در مناطق مختلف جغرافیایی و عملکرد موفق آنان به صورت یک کل واحد به یک غافلگیری بزرگ برای آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی درآمد. اقداماتی که توسط گروه‌های مقاومت در عراق، حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن در راستای افزایش فشار بر آمریکا و رژیم صهیونیستی بدون نیاز به پشتیبانی مستقیم جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت، قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌ای را با معادله جدیدی از بازارندگی در منطقه روبه‌رو کرده است.

هرچند این هماهنگی بدون در نظر گرفتن نقش جمهوری اسلامی در سطح کلان غیر قابل‌ستنبایی بود، اما در این مسیر گروه‌های محور مقاومت تلاش کردند تا برای رسیدن به مرحله بازدارندگی به هماهنگی ارگانیک دست پیدا کنند. این هماهنگی بعد از طوفان الاقصی به صورت عملیاتی درآمد و توانست صحنه نبرد غزه را متحول کند. اقدامات حزب‌الله لبنان در ناام‌سازی مرزهای شمالی فلسطین، حملات موشکی گروه‌های مقاومت عراق به پایگاه‌های نظامی آمریکا در راستای افزایش فشار برای برقراری آتش‌بس به واشنگتن و در نهایت اقدامات انصارالله در تحمیل هزینه‌های اقتصادی و امنیتی به رژیم اشغالگر نمونه‌ای مثال‌زدنی از شکل‌گیری یک جبهه متحد در برابر

آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد.

این اقدامات هماهنگ - که بدون پشتیبانی مستقیم تهران شکل گرفت- آمریکا و رژیم صهیونیستی را با نیروی گریز از مرکز جدیدی در منطقه روبه‌رو کرد که در عین هماهنگی ارگانیک با هم به درجه‌ای از خودمختاری عملیاتی نیز دست یافته‌است. این موضوع می‌تواند علاوه بر شکل‌گیری هم افزایی تاکتیکی میان گروه‌های محور مقاومت به نظم نوین منطقه‌ای نیز منجر شود. درواقع شکل گرفتن و بلوغ ایده جبهه متحد مقاومت اسلامی، منطقه را با شکل نوینی از معادله موازنه روبه‌رو خواهد کرد؛ موضوعی که توانایی تغییر راهبردیه کلان آینده در منطقه را دارد.

عماد اصلانی

دکترای روابط بین‌الملل

با آغاز حمله انتقام جویانه تل آویو به نوار محاصره‌شده غزه، چشم دنیا با جنایاتی روبه‌رو شد که تا پیش از این در هیچ یک از جنگ‌های بزرگ بین‌المللی شاهد آن نبود. اما در کنار تمامی زنج‌ها و غصه‌هایی که توسط مردم غزه در بیش از ۵۰ روز تحمل شده است، اقدامات نویدبخشی در جغرافیای محور مقاومت در واکنش به تمامی این جنایات شکل گرفت. موضوعی که نشان از شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای و بین‌المللی بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می‌دهد.